

شیوه‌های تقابل روسیه با گسترش ناتو به شرق

دکتر محمدجواد حق شناس*

امین باویر**

چکیده

پس از فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۰ یکی از مسائلی که به دغدغه‌ای برای کشورهای اروپای غربی و آمریکا تبدیل شد، کشورهای اروپای شرقی بودند که تا آن زمان عضو پیمان ورشو بودند. بنابراین نیاز بود که این کشورها به اردوگاه غرب آورده شوند؛ بطوریکه تحت هیچ شرایطی در آینده مجدداً نتوانند هم پیمان روسیه شوند. بنابراین مسأله گسترش ناتو به شرق از همان زمان دنبال می‌شود. روسیه نیز همیشه گسترش ناتو به شرق را غیر ضروری دانسته و آنرا تهدیدی برای امنیت ملی خود می‌داند. این دو نگرش در حدود دودهه است که رودرروی هم قرار دارند و البته کفه ترازو به سود غربیهاست، زیرا تا کنون ۹ کشور از اروپای شرقی و ۳ کشور که زمانی بخشی از خاک شوروی بودند (لیتوانی، لتونی و استونی) به عضویت ناتو درآمده‌اند. پژوهشگر دنبال آن است تا شیوه‌های تقابل روسیه با گسترش ناتو به شرق و همچنین راههای همکاری بین روسیه و ناتو را بررسی نماید.

واژگان کلیدی: ناتو، روسیه، گسترش ناتو به شرق، امنیت ملی، اروپای شرقی

* استادیار و عضو هیئت علمی دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، گروه علوم سیاسی، تهران، ایران
** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد رشته مطالعات منطقه‌ای دانشکده علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی

مقدمه

سیاست خارجی روسیه در برابر سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) عمدتاً تحت الشعاع اقدام این سازمان در باز کردن درهای عضویت خود به روی کشورهای اروپایی شرقی می باشد. اگر چه از ابتدای دهه ۱۹۹۰، زمزمه های گسترش ناتو به سمت شرق آغاز گردید، لیکن از سال ۱۹۹۴ به بعد بود که به تدریج به یک مسئله و نگرانی در سیاست خارجی روسیه تبدیل شد. روابط روسیه با ناتو از فراز و نشیب ها و ابهامات بسیار برخوردار است. علت نوسانی بودن این روابط نیز آن است که اصولاً سیاست خارجی روسیه در برابر ناتو تابعی از مناسبات این کشور با ایالات متحده آمریکا و دول اروپایی غربی بوده است. (ثقفی عامری، ۱۳۸۶: ۳۳)

تا قبل از روی کار آمدن پوتین در روسیه، این کشور که هنوز در شوک تجزیه بسر می برد، و از یک ابرقدرت به یک قدرت منطقه ای تبدیل شده بود؛ نتوانست سیاست قاطعی را در برابر گسترش ناتو اعمال نماید. چون سازمانهای نظامی و امنیتی روسیه فاقد انضباط و انسجام دوران شوروی بودند و مدتی زمان برد تا به یکپارچگی و انسجام برسند. و از طرفی روسیه از نظر اقتصادی نیز ضعیف بود. اما با روی کار آمدن پوتین در سال ۲۰۰۰ م روسیه توانست در عرض ۴ سال، هم سازمانهای نظامی و امنیتی خود را سامان دهد (چون پوتین خود یک نیروی امنیتی بود) و هم از نظر اقتصادی پیشرفتهای چشمگیری داشته باشد. بطوریکه بعد از پایان دوران ریاست جمهوری وی در سال ۲۰۰۸، روسیه مجدداً توانست بعنوان یک قدرت بزرگ در ترسیم معادلات بین المللی ایفای نقش نماید. در حال حاضر نیز روسیه در اکثر معضلات جهان امروز از قبیل مبارزه با تروریسم، بارزه با قاچاق مواد

مخدر، جلوگیری از تولید و گسترش سلاحهای کشتار جمعی و مناسبات و معادلات اقتصادی و فرهنگی با ناتو همکاری می نماید. اما همچنان سیاست مداران روس بر این عقیده اند که گسترش ناتو به شرق امری غیر ضروری است.

سازمان ناتو

در نخستین روزهای پس از جنگ جهانی دوم، در حالی که کشورهای اروپای غربی را بحرانی امنیتی تهدید می کرد؛ تحولات صورت گرفته در نظام بین الملل و تسلط یافتن یک نظام دو قطبی در عرصه بین المللی، بتدریج نشانه هایی از تغییر ساختار اروپا را بدنبال شکل گیری رقابت های ایدئولوژیک آشکار ساخت. بدنبال تهدیداتی که از جانب شوروی متوجه کشورهای اروپای غربی بود؛ پنج کشور بلژیک، هلند، لوکزامبورگ، فرانسه و انگلیس در ۱۷ مارس ۱۹۴۸ «پیمان دفاعی بروکسل» را امضاء نمودند. امضاء این پیمان منجر به ایجاد یک اتحاد دفاعی میان کشورهای مذکور گردید. درحقیقت هدف اصلی از امضاء پیمان بروکسل، نشان دادن این واقعیت بود که کشورهای اروپای غربی علاوه بر توان ایجاد همکاری میان خود، خواستار تشویق ایالات متحده به ایفای نقش گسترده تر در امنیت اروپای غربی بودند. (دارمی، ۱۳۸۶: ۲۱)

بنابراین نخستین گام عملی در شکل گیری پیمان ناتو در حقیقت در ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ میان نمایندگان ۵ کشور عضو پیمان دفاعی بروکسل و آمریکا و کانادا تحقق یافت. در همین راستا دیگر کشورهای اروپایی نظیر جمهوری ایرلند، سوئد، ایسلند، نروژ، دانمارک، پرتغال و ایتالیا نیز نسبت به پیوستن به این پیمان ابراز تمایل و آمادگی کردند. (همان ۲۲)

فلسفه وجودی ناتو در زمان تأسیس، ایجاد کمر بند امنیتی به دور دموکراسیهای غربی و نیز محاصره کمونیسم و اقمار آن بود. امضای این پیمان در واقع منعکس کننده نوعی مصالحه و سازش میان آمال و آرزوهای اروپا برای ایجاد تعهدات صریح و واشنگتن، در جهت کمک های نظامی متحدان ناتو و میل ایالات متحده به کمک نمودن

به کشورهای اروپایی بود. (solan 2003: 15)

روسیه

روسیه با نام رسمی فدراسیون روسیه، پهناورترین کشور جهان است که در شمال اوراسیا قرار دارد. این کشور در آسیای شمالی و اروپای خاوری واقع است و با اقیانوس آرام شمالی و اقیانوس منجمد شمالی؛ و نیز با دریای خزر، دریای سیاه، و دریای بالتیک مرز آبی دارد. روسیه با ۱۴ کشور آسیایی و اروپایی مرز زمینی دارد و با کشورهای پیرامون دریای برینگ، دریای ژاپن، دریای خزر، دریای سیاه، و دریای بالتیک ارتباط دریایی دارد. درون مایه اصلی جهت گیری سیاست خارجی روسیه در برابر ناتو و گسترش این سازمان، چندان آسان به نظر نمی رسد. قطع نظر از دشواری نظر موجود در فهم سیاست خارجی روسیه، موضوع ناتو و گسترش آن از مسائلی است که از نیمه دهه ۱۹۹۰ تاکنون با واکنش های متفاوت از سوی مقامات کرملین مواجه بوده است. ابزار نگرانی و نیز تهدید آمیز خواندن گسترش شرقی ناتو تا تمایل برای عضویت در این سازمان، مجموعه ای از علائم متناقض صادره از سوی روسیه به ناتو بوده است. (کولابی، ۱۳۸۴: ۲۰)

از آن جا که سیاست روسیه نسبت به گسترش ناتو به شرق از درجه بالایی از ابهام برخوردار است و دقیقاً آشکار نیست که این کشور در صدد مقابله، همکاری و یا همگرایی با سازمان یاد شده می باشد، ممکن است بتوان با تحلیل سیاست خارجی روسیه به درون مایه اصلی جهت گیری این کشور نسبت به ناتو پی برد.

دلایل مخالفت روسیه با گسترش ناتو به شرق

از آنجا که روسیه هنوز خود را به عنوان یک ابرقدرت (حداقل از نظر نظامی) در

عرصه بین‌الملل می‌داند و گسترش ناتو را در راستای تضعیف موقعیت خود در عرصه بین‌الملل می‌داند بنا به دلایلی با گسترش ناتو به سوی شرق مخالف است، که مهمترین این دلایل عبارتند از:

۱- تلقی روسیه از گسترش به مفهوم تهدیدی علیه امنیت روسیه

روسیه، گسترش ناتو را نوعی خطر علیه امنیت ملی خود دانسته و آنرا در راستای کاهش اقتدار روسیه در نظام بین‌الملل، از بین بردن مناطق حائل روسیه و بی‌توجهی به این کشور بزرگ می‌داند.

۲- گسترش ناتو در راستای کاهش اقتدار روسیه در نظام بین‌الملل

پس از فروپاشی اتحادیه جماهیر شوروی، مسکو ابرقدرتی خود را در نظام بین‌الملل از دست داد، ولی روسیه میراث دار تسلیحات اتمی و متعارف اتحاد جماهیر شوروی شد با وجودی که روسیه، قدرت درجه اول بین‌المللی در زمینه اقتصادی و نظامی به شمار نمی‌آید، اما کشور ضعیف شده نظامی نیز نیست. روسها براین باورند که هرگونه گسترش (ناتو) به سوی شرق و به سوی روسیه به زیان این کشور است. (علیخانی، ۱۳۷۹: ۸)

۳- از بین رفتن مناطق حائل

یکی دیگر از دلایل مخالفت روسیه با گسترش ناتو به شرق از بین رفتن مناطق حائل و هم‌مرزی این کشور بزرگ با ناتو است. بیشتر کشورهایی که خواستار عضویت در ناتو هستند، می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

۱- کشورهای اروپایی شرقی (خارج دور) ۲- جمهوری‌های بالتیک ۳- جمهوری‌های خارج نزدیک. (جانسون، ۱۳۷۸: ۲۴۰-۲۳۹)

در میان سه دسته کشورهای نامبرده جمهوری‌های بالتیک و خارج نزدیک، از اهمیت بالایی ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی برای روسیه برخوردار هستند. علت اصلی

نیز آن است که این کشورها در برابر گسترش ناتو به شرق بعنوان منطقه حائل روسیه به شمار می آیند. (کولایی، ۱۳۷۴: ۸۸)

از سوی دیگر، روسیه گسترش ناتو به کشورهای اروپایی شرقی را زمینه ساز گسترش این سازمان به سوی کشورهای بالتیک و سپس جمهوری های خارج نزدیک می داند و به همین دلیل، به شدت با گسترش ناتو مخالفت می کند. در میان جمهوری های بالتیک و خارج نزدیک که برای روسیه از اهمیت والاتری برخوردار هستند، می توان از روسیه سفید، اوکراین، گرجستان^۱، آذربایجان و ارمنستان نام برد. علت اهمیت ۳ کشور گرجستان، آذربایجان و ارمنستان، آن است که این کشورها در نزدیکی کشور ترکیه یکی از اعضای ناتو قرار دارند و در میان کشورهای ذکر شده به جز ارمنستان همه ی کشورهای دیگر همسایه روسیه به شمار آمده و از این رو، از اهمیت و افری برای مسکو برخوردارند. از دیدگاه کرملین، کشورهای یاد شده بعنوان منطقه ی حائلی بین مسکو و ناتو بوده و آخرین سپر دفاعی روسیه به شمار می آیند. شاید به دلیل همین حساسیت بالای روسیه بود که به جز سه کشور چک، مجارستان و لهستان با درخواست دیگر متقاضیان عضویت در ناتو موافقت نشده است. اعضای ناتو به دلیل آنکه سه کشور یاد شده اروپای شرقی، فاصله بیشتری با روسیه داشتند، بسیار محتاطانه و پس از سال ها انتظار، آنها را به عضویت این سازمان در آورند. گزینش سه کشور یاد شده، به دلیل آن که جزء نخستین اولویت های امنیتی روسیه نبودند، کمتر خشم مسکو را بر می انگیزد و به نظر می رسد که ناتو در مراحل بعدی گسترش خود نیز از گزینش کشورهای پیرامونی روسیه خودداری ورزد و برای گسترش خود، تلاش بر روی کشورهایی همچون رومانی، اسلونی و بلغارستان متمرکز سازد. (دارمی، ۱۳۸۶: ۱۵۴) این سه کشور (رومانی، اسلونی و بلغارستان) در سال ۲۰۰۴ به عضویت ناتو درآمدند.

1- Georgia

ردیف	کشور	جمعیت	مساحت به kmm	GDP (تولید ناخالص داخلی)	موقعیت	سال عضویت در ناتو
۱	جمهوری چک	۱۰ / ۳۲۰ / ۰۶۰	۷۸۸۶۶	۲۶۵ / ۸۸۰ \$ بلیون	شرق اروپا	۱۹۹۹
۲	اسلوواکی	۵۳۷۹۴۵۵	۳۵۰۴۹	۱۰۹ / ۶۷۷ \$ میلیارد	شرق اروپا	۲۰۰۴
۳	لهستان	۳۸ / ۸۰۲ / ۰۰۰	۳۱۲۶۱۵	۴ / ۹۵۹ \$ میلیارد	شرق اروپا	۱۹۹۹
۴	مجارستان	۱۰ / ۰۴۱ / ۰۰۰	۹۳۰۳۰	۱ / ۹۴۲ \$ میلیارد	شرق اروپا	۱۹۹۹
۵	یوگسلاوی	۲۳ / ۷۲۴ / ۹۱۹	۲۵۵۸۰۴	۶۴ \$ میلیارد	شرق اروپا	نیست
۶	اسلونی	۲ / ۰۵۳ / ۳۵۵	۲۰۲۷۳	۴۷ / ۰۱ \$ میلیارد	شرق اروپا	۲۰۰۴
۷	کرواسی	۴ / ۴۵۳ / ۵۰۰	۵۶۵۴۲	۳۷ / ۷۸۰ \$ میلیون	شرق اروپا	در شرف پیوستن
۸	مقدونیه	۲ / ۰۲۲ / ۵۴۷	۲۵۷۱۳	۱۷ / ۳۹۶ \$ بلیون	شرق اروپا	در شرف پیوستن
۹	آلبانی	۳ / ۱۳۰ / ۰۰۰	۲۷۸۴۸	۱۵ / ۷۰۰ \$ بلیون	شرق اروپا	۲۰۱۰
۱۰	بلغارستان	۷ / ۶۴۰ / ۳۳۸	۱۱۰۹۱۲	۹۳ / ۸۰۵ \$ بلیون	شرق اروپا	۲۰۰۴
۱۱	رومانی	۲۲ / ۲۷۶ / ۰۰۰	۲۳۷۵۰۰	۲۷۲ / ۸۱۱ \$ بلیون	شرق اروپا	۲۰۰۴
۱۲	مولداوی	۳ / ۵۶۷ / ۵۰۰	۳۳۸۴۶	۱۰۱۴۱ \$ بلیون	شرق اروپا	نیست
۱۳	اوکراین	۴۶ / ۱۷۹ / ۲۲۶	۶۰۳۲۶۸	۸ / ۳۳۹ \$ میلیارد	شرق اروپا	درخواست عضویت
۱۴	بلاروس	۱۰ / ۰۴۵ / ۲۰۰	۲۰۷۶۰۰	۱۱۵ / ۰۲۷ \$ بلیون	شرق اروپا	نیست
۱۵	لیتوانی	۳ / ۳۵۰ / ۴۰۰	۶۵۲۰۰	۲۷ / ۸۱۳ \$ بلیون	بالتیک	۲۰۰۴
۱۶	لتونی	۲ / ۲۷۰ / ۷۰۰	۶۴۵۸۹	۴۰ / ۴۲۰ \$ بلیون	بالتیک	۲۰۰۴
۱۷	استونی	۱ / ۳۴۰ / ۶۰۰	۴۵۲۲۷	۲۷ / ۸۱۳ \$ بلیون	بالتیک	۲۰۰۴
۱۸	گرجستان	۴ / ۶۳۰ / ۸۴۱	۶۹۷۰۰	۲۰ / ۵۱۶ \$ میلیارد	قفقاز جنوبی	درخواست عضویت
۱۹	آذربایجان	۸ / ۷۳۰ / ۰۰۰	۸۶۶۰۰	۶۵ / ۵۲۳ \$ میلیارد	قفقاز جنوبی	نیست
۲۰	ارمنستان	۳ / ۲۳۱ / ۹۰۰	۲۹۸۰۰	۲۹۸ / ۰۱۹ \$ میلیارد	قفقاز جنوبی	نیست

اهمیت مناطق حائل برای روسیه

اول آنکه این گونه کشورها، جزئی از اتحاد جماهیر شوروی محسوب می شدند و روسیه هم چنان مایل است که نفوذ سیاسی خود را بر این کشورها ادامه دهد. روسیه نمی تواند نظاره گر حضور ناتو در کشورهایی باشد که با منافع و امنیت ملی این کشور گره خورده اند.

دوم آنکه روسیه، حفظ ثبات و امنیت کشورهای یاد شده را برای تأمین ثبات و امنیت خود امری ضروری تلقی می کند و خواستار ایجاد ثبات در این مناطق است. مسکو بر این باور است که از بین رفتن مناطق حائل، موجب بر هم خوردن ثبات و تعادل نیروها، تشدید خطر نظامی و عامل حمله ناگهانی خواهد بود. (گروموف، ۱۳۷۶: ۲۳۱)

از سویی، انتقال هر گونه بی ثباتی از کشورهای همسایه روسیه به مسکو، و خطر تروریسم، روسیه را ترغیب می کند تا خود را از نظام امنیتی این گونه کشورها خارج نسازد. (طاوولی، ۱۳۷۸: ۳۱)

برهمن مینا یوگنی پریماکف^۱ نخست وزیر سابق روسیه براین باور است که: «ما مخالف گسترش ناتو هستیم، گرچه بعضی از کشورها به آن پیوسته اند ما خط قرمزی برای ناتو ترسیم کرده ایم که عبارت از عدم پذیرش جمهوری های اتحاد جماهیر شوروی سابق به عضویت ناتو است». (علیخانی، ۱۳۷۹: ۸)

سوم آنکه روسیه نگران تقویت اقتدار نظامی ناتو به خاطر لهستان و یا دیگر کشورهای خواستار عضویت نیست، بلکه نگران تحکیم نفوذ آمریکایی ها در اروپا برخلاف منافع روسیه است. یکی از مهمترین نگرانی های روسیه در مورد از بین رفتن مناطق حائل مسئله کالینین گراد^۲ است. بر اساس ماده ی ۶۵ قانون اساسی فدراسیون

1- Y. Primakov

2- Kaliningrad

روسیه، کالینین گراد یکی از ۸۹ بخش این کشور بشمار می‌آید. (کولایی، ۱۳۷۷: ۳۰)
این منطقه نزدیک به ۹۰۰ هزار نفر را درخود جای داده است و ۱۲۹ کیلومتر مربع
وسعت دارد. بر خلاف همه‌ی مناطق روسیه کالینین گراد به صورت منطقه‌ای در
خارج از مرزهای روسیه و در همسایگی کشورهای لیتوانی و لهستان و در کنار دریای
بالتیک قرار دارد. (طولانی، ۱۳۷۹: ۴۷)

تنها راه رسیدن به این منطقه، از راه کشورهای لیتوانی و لهستان است. وجود پایگاه
دریایی روسیه در منطقه کالینین گراد و حضور بیش از ۱۰۰ هزار نیروی نظامی روسیه
در این منطقه این جزیره را برای روسیه دارای اهمیت دو چندان نموده است. پوتین در
اوت سال ۲۰۰۰ میلادی در بازدیدی که از پایگاه دریایی کالینین گراد به مناسبت روز
دریایی روسیه انجام داد، در نطقی گفت: «مقام و موقعیت روسیه همیشه وابسته به
نیروی دریایی کشورش بوده است زمانی که نیروی دریایی ضعیف شود بدترین وضع
برای کشور خواهد بود و زمانی که نیروی دریایی قوی باشد روسیه نیز قد علم می‌کند
و قادر است که خود را قدرت بزرگ بنامد». (ثقفی عامری، ۱۳۷۹: ۱۱)

بر این اساس یکی از علل مخالفت روسیه با عضویت لهستان در ناتو، همسایگی
این کشور با کالینین گراد است، چرا که در صورت عضویت این کشور در سازمان
پیمان آتلانتیک شمالی ناتو، هم مرز روسیه می‌شود و مسکو آن را خطری جدی برای
قلمرو خود تلقی می‌کند. با عضویت لهستان در ناتو در سال ۱۹۹۹ میلادی، تنها راه
روس‌ها برای رسیدن به کالینین گراد، خاک لیتوانی است. (فلاحی، ۱۳۷۸: ۷۵ - ۳۷۴)
تا کنون یکی از علل نپذیرفتن عضویت کشورهای بالتیک هم چون لیتوانی نیز حساسیت
روسیه بوده است، چرا که در صورت پذیرش عضویت این کشور در ناتو، روسیه آن را
خطری برای قلمرو خود می‌داند. در این صورت کالینین گراد در خارج از مرزهای روسیه،
در بین کشورهای ناتو قرار می‌گیرد. این مسئله‌ای است که روسیه به شدت به آن مخالف
است و آن را مغایر با امنیت ملی کشورش تلقی می‌کند. (فلاحی، ۱۳۷۸: ۳۷۳)

۴- مخالفت روسیه در راستای دست یابی به منافع اقتصادی

یکی از علل مخالفت روسیه با گسترش ناتو به سوی شرق مسائل اقتصادی است. از دیدگاه روسیه در صورت گسترش ناتو به سوی شرق منافع اقتصادی این کشور در معرض خطر قرار می‌گیرد. براساس این دیدگاه که اهمیت کشورهای پیرامونی را بر مبنای ژئواکونومیکی مطرح می‌کند، جمهوریهای خارج نزدیک، نقش مهمی در اقتصاد روسیه ایفا می‌کنند. (کولایی، ۱۳۷۷: ۱۲۰)

بر این اساس، روسیه یکی از عوامل گسترش ناتو را دست یابی به حوزه های جدید اقتصادی می‌داند و بر این باور است که ایالات متحده و کشورهای اروپایی عضو ناتو، به دلیل کسب امتیازات نفتی و معدنی، و به دست گرفتن بازارهای این گونه کشورها راهبرد توسعه ی ناتو به شرق را مطرح می‌کنند که این موضوع با منافع ملی روسیه تعارض دارد و اعضای ناتو خواستار حذف روسیه در بازار جمهوری های پیرامونی هستند. مسکو بر این اعتقاد است که جمهوری های خارج نزدیک، سهم زیادی در اقتصاد این کشور ایفا می‌کنند. برای نمونه، ۶۵ درصد از واردات قزاقستان، ۵۸ درصد از واردات ازبکستان، ۵۱ درصد از واردات قرقیزستان و ۴۸ درصد از واردات ترکمنستان و تاجیکستان از روسیه است در مقابل ۵۳ درصد از صادرات قزاقستان، ۶۱ درصد از صادرات ازبکستان، ۳۹ درصد از صادرات قرقیزستان، ۵۴ درصد از صادرات ترکمنستان و ۵۳ درصد از صادرات تاجیکستان به روسیه انجام می‌شود. (کولایی، ۱۳۸۷: ۱۲۳)

همچنین سهم روسیه در صادرات ارمنستان ۷۸ درصد و در واردات آن کشور، ۴۶/۶ درصد بوده است.

همه نمونه های یاد شده حاکی از این امر است که اقتصاد روسیه و جمهوری های منطقه با هم گره خورده و ارتباط عمیقی میان بخش ها و موسسه های اقتصادی کشور روسیه و جمهوری های پیرامونی وجود دارد. (ایوانف، ۱۳۸۶: ۱۳۲)

جمهوری های خارج نزدیک در دیدگاه اوراسیایی ها از اهمیت زیادی برخوردار

است و یکی از این دلایل، اهمیت بالای اقتصادی است. اوراسیایی‌ها با حضور اعضای ناتو در این منطقه به شدت مخالف هستند. وجود مناطقی سرشار از منابع نفتی و معدنی و نیز مسیر ترانزیتی، روسیه را بر آن داشته است تا با گسترش ناتو به سوی شرق مخالفت کند. (پاکدامن، ۱۳۸۳: ۵۰)

۴- راهکارهای احتمالی روسیه در قبال گسترش ناتو

در طول سال‌های ۹۶ - ۹۵ هنگامی که روسها بطور مکرر ندای مخالفت با گسترش ناتو را سر دادند، بمنظور ملموس کردن صدای مخالفت خود در جهان غرب تهدیداتی ضمنی و علنی را مطرح می‌کردند و اگرچه برخی از این تهدیدات بیشتر از آن که برپایه واقع بینی بنا نهاده شده باشند، برای ایجاد جو روانی در میان افکار عمومی جهان غرب مطرح می‌گردیدند. (ثقفی عامری، ۱۳۸۴: ۴۵)

اما بواقع باید اذعان داشت که روسیه راه کارهایی، هرچند محدود را برای مقابله با توسعه ناتو به سوی شرق در مقابل خود داشته که در صورت عدم رفع نگرانی‌های این کشور در توسعه ناتو و توافق با این کشور، آنان علی‌رغم مشکلات فراوان و عدیده داخلی و اقتصادی آماده بودند تا به برخی از اقدامات واکنشی، در قبال طرح گسترش دست زنند. در این قسمت به راهکارهای روسیه در مخالفت با گسترش ناتو اشاره خواهد شد:

الف) تقویت همکاری با کشورهای مخالف غرب

یکی از مهم‌ترین راه کارهای پیش روی روسیه برای مقابله با طرح گسترش ناتو، بسط و توسعه همکاری سیاسی، نظامی و اقتصادی با کشورهایی است که به اصطلاح در خارج از بلوک غرب قرار داشته و از نظم نوین بین‌المللی راضی نمی‌باشند. مهمترین کشور این گروه چین می‌باشد، که از جایگاه والایی در سیاست‌های ضد ناتوی روسیه

برخوردار است. (ثقفی عامری، ۱۳۸۴: ۷۵)

به دنبال ایجاد تعدیلاتی در سیاست خارجی روسیه، جایگاه چین در نگرش به شرق سیاست خارجی روسیه اهمیت به سزایی دارد. دو کشور به سرعت در خصوص مرزهای مشترک به توافق دست یافته و عامل اصلی بی‌ثباتی که سال‌ها بر روابط این دو کشور سایه افکننده بود را حذف کردند و نهایتاً دو کشور برای ایجاد ائتلاف استراتژیک اعلام آمادگی نمودند. (فریچه، ۱۳۸۳: ۲۳۱)

همچنین مقامات دو کشور، ضمن مخالفت با تلاش برخی کشورها برای ایجاد نظام تک قطبی بر چند قطبی بودن نظام آتی بین‌المللی تأکید کردند. موضوع مخالفت با گسترش ناتو بارها از جانب چینی‌ها محکوم شده و این کشور گسترش ناتو را برنامه جدید غرب برای جلوگیری از ظهور قدرت جهانی چین تلقی کرده اند که قرار است توسط آمریکا طراحی و به مورد اجرا گذاشته شود. برخی از تحلیل‌گران سیاسی معتقدند خط مشی آمریکا در خصوص گسترش ناتو به شرق، مسکو را در شرایطی قرار داده که این کشور سیاست همکاری استراتژیک با ایران را پی‌ریزی کند. در این رابطه الکساندر شوخین^۱ معاون اول اسبق دومای روسیه تأکید کرد که اگر ناتو قصد هم‌مرز شدن با روسیه را داشته باشد؛ و یا سلاح هسته‌ای در خاک کشورهای شرق اروپا مستقر نماید این کشور دست به اتحاد استراتژیک با بلاروس زده و همگرایی و روابط استراتژیک با ایران، هند و چین را نیز تقویت خواهد کرد. (پیکرنیک، ۱۳۷۹: ۴۴)

ب) ایجاد فضای ناامنی

به دنبال تشدید مخالفت‌ها با گسترش ناتو در روسیه، در مطبوعات و رسانه‌های گروهی این کشور هشدارهایی مبنی بر احتمال نشانه روی مجدد موشک‌های اتمی روسیه بطرف کشورهای عضو ناتو و ایجاد فضای ناامنی در غرب در صورت نادیده

1- Alexander Shvkhyn

گرفتن منافع امنیتی این کشور مطرح گردید. (ریشنز، ۱۳۷۸: ۵۲)

در این رابطه حتی وزیر دفاع روسیه رسماً اعلام داشت که موشک‌های روسیه ممکن است کشورهای اروپایی شرقی را که به عضویت ناتو در می‌آیند، نشانه روی کند. وی خطاب به ملت‌های اروپای شرقی می‌گوید "در صورت استقرار تجهیزات ناتو در خاک کشورهاشان موشک‌های هسته‌ای روسیه حتماً آنان را مورد هدف‌گیری قرار خواهند داد" هم چنین مقامات روسیه هشدار دادند که در صورت عملی شدن طرح گسترش ناتو و عدم توجه به نظرات روسیه، ناتو باید آماده مواجهه با موشک‌های روسی و آغاز دورجدیدی از جنگ سرد و گرم باشد. (ملکی، ۱۳۷۹: ۱۷۶)

مقامات روسی در پاسخ به گسترش ناتو بر این باورند که روسیه به تامین امنیت ملی نیاز دارد. توسعه ناتو مرز جدیدی را در اروپا ایجاد خواهد کرد و این امر روسیه را به اصلاح برنامه‌های ساختار نظامی و ادار خواهد کرد. (ملکی، ۱۳۸۲: ۱۸۰)

نخستین بار پس از فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۳ آئین نظامی جدید روسیه به تصویب رئیس‌جمهور این کشور رسید. آئین نظامی جدید روسیه که اتکای مسکو را به نیروهای هسته‌ای مورد توجه قرار می‌داد، ناشی از دو امر بسیار مهم بود:

الف) کاهش توانایی‌های متعارف نظامی روسیه

ب) تهدیدهای امنیتی علیه آن کشور از سوی گسترش ناتو و بنیاد گرایی اسلامی در مرزهای جنوبی است.

به بیان ولادیمیر لوکین^۱ سفیر اسبق روسیه در واشنگتن، "روسیه به ضامن هسته‌ای محکم نیاز دارد تا پاسخگوی گسترش برنامه ریزی شده ناتو و اصرار غرب بر تداوم اجرای پیمان محدودیت نیروهای متعارف باشد". در اواخر آوریل ۲۰۰۰ میلادی،

1- Vladimir Liukin

شورای امنیت روسیه، دکترین نظامی جدید این کشور را تصویب کرد که به مسکو اجازه ی وارد آوردن ضربهٔ نخست هسته ای در صورت تهدید جدی علیه این کشور را می دهد. (کولایی، ۱۳۷۴: ۹۰)

این دکترین، جایگزین دکترین مصوب سال ۱۹۹۳ شد که حق ضربه نخست هسته‌ای را برای روسیه محفوظ می دارد. سرگئی ایوانف^۱ دبیر شورای امنیت روسیه، پس از تصویب دکترین نظامی جدید اعلام داشت: " طرح مذکور اصولاً جنبه دفاعی دارد و پیش از هرچیز، برای جلوگیری از تجاوزات دشمن و برقراری حراست و دفاع از صلح و آرامش کشور در نظر گرفته شده است". این طرح، امکان دفاع از منافع روسیه را در عرصه نظامی فراهم می کند. (ثقفی عامری، ۱۳۷۹: ۲۸)

براین اساس پوتین بهترین جایگزین را برای دست یابی به منافع ملی و امنیت روسیه در نظام بین الملل، استفاده از حق ضربهٔ نخست اتمی دانست. مسکو با تصویب این دکترین، خط قرمز خود را به اعضای ناتو و بویژه آمریکا نشان داد. سیاست مداران کرملین خط قرمز را عدم پذیرش جمهوری های خارج نزدیک در ناتو و گسترش این سازمان را به سوی روسیه اعلام کردند. از سوی دیگر، اتخاذ دکترین جدید از سوی روسیه، تجدید نظر این کشور در مورد راهبرد تدافعی قلمداد می شود؛ و در صورتی که امنیت روسیه، مورد تهدید خارجی قرار گیرد، این حق را برای خود محفوظ خواهد داشت که نخستین استفاده کننده از سلاح اتمی باشد. (ریبکن، ۱۳۷۶: ۴۴)

در مورد توان تسلیحاتی هسته ای و متعارف روسیه باید یادآوری کرد که فدراسیون روسیه با وجود فروپاشی شوروی، میراث دار بزرگ توان اتمی و تسلیحات متعارف شوروی شد؛ به گونه ای که هم اکنون روسیه دارای ۱۱۷۴ سیستم حامل راهبردی و ۲۵۰۰ کلاهک هسته ای است. (ثقفی عامری، ۱۳۷۹: ۱۹)

1- Sergei Ivanov

هم اکنون مسکو دارای ۱۰۳۵ موشک بالستیک قاره پیمای ICBM در برابر ۱۰۰۰ موشک بالستیک آمریکا است (کاظمی، ۱۳۷۲: ۵۴۲). هم چنین این کشور ۲۷ موشک جدید از نوع SS.۲۵ را به زرادخانه اتمی خود افزود (پیشوایی، ۱۳۷۶: ۴۵) و دست کم دارای ۱۰ کارخانه ی تولید تسلیحات شیمیایی است (کارنیول، ۱۳۷۹: ۳۰) افزون بر آن، تلاش های آن کشور در ساخت و تولید جنگنده ی پیشرفته بمپ افکن TU160 که می تواند ۱۲ موشک کروز را حمل کند و همچنین تولید جنگنده پیشرفته میگ ۴۲-۲، نشان دهنده توجه به تسلیحات است. (جوکار، ۱۳۷۸: ۲۱۷)

ج) پیمان شانگهای

سازمان همکاری شانگهای سازمانی میان دولتی است که برای همکاری های چندجانبه امنیتی تشکیل شده است. این سازمان در سال ۲۰۰۱ توسط رهبران چین، روسیه، قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان و ازبکستان پایه گذاری شد. سازمان همکاری شانگهای در حقیقت ترکیب جدید سازمان «شانگهای ۵» است که در سال ۱۹۹۶ تأسیس شده بود؛ ولی نام آن پس از عضویت ازبکستان به «سازمان همکاری شانگهای» تغییر داده شد. (wikipedia)

علاوه بر اعضای اصلی، ابتدا مغولستان در سال ۲۰۰۴ و یک سال بعد ایران، پاکستان، و هند به عنوان عضو ناظر به سازمان ملحق شدند.

نقش این سازمان از زمان تاسیس آن تاکنون در منطقه افزایش یافته است. این سازمان، بر خلاف سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) و پیمان ورشو سابق، هنوز یک معاهده دفاعی چندجانبه به شمار نمی رود. سازمان همکاری شانگهای از دل رقابت قدرت های بزرگ برسر منطقه ژئوپلیتیک آسیای میانه ظهور کرد. هدف اولیه تاسیس این سازمان، غیرنظامی کردن مرز بین چین و شوروی بود.

کشورهای عضو و ناظر سازمان همکاری شانگهای روی هم نه تنها بزرگ ترین توان

اقتصادی، نظامی، هسته‌ای و فضایی جهان را دارا هستند، بلکه بیشترین تولیدکننده و مصرف‌کننده انرژی در جهان نیز می‌باشند. مساحت کشورهای عضو (اصلی و ناظر) این سازمان روی هم بیش از ۲۵۰۱ میلیون کیلومتر مربع یا یک چهارم سطح خشکی‌های زمین است.

اساس‌نامه سازمان همکاری‌های شانگهای بر شفافیت عملکرد و بی‌طرفی نظامی آن تأکید می‌کند. علیرغم این موضوع، شکی نیست که سازمان همکاری‌های شانگهای نقش موازنه دهنده‌ای در صحنه بین‌المللی خصوصاً در مقابل پیمان ناتو ایفا می‌نماید. برای مثال، ایالات متحده آمریکا درخواستی جهت عضویت به عنوان عضو ناظر به سازمان همکاری‌های شانگهای ارائه کرده بود، اما این درخواست در سال ۲۰۰۵ از طرف سازمان رد شد. (همان)

با توجه به ظرفیت‌هایی که سازمان همکاری‌های شانگهای از قبیل توان اقتصادی، وسعت سرزمینی، جمعیت و حتی توان نظامی دارد؛ و با توجه به اینکه دارای دو عضو دائمی و دارای حق وتو (روسیه و چین) در سازمان ملل می‌باشد، می‌تواند بعنوان مهمترین پیمان منطقه‌ای محسوب گردد که می‌تواند در مقابل توسعه طلبی‌های ناتو قد علم کرده و حتی پیشرویه‌های بیشتر این سازمان به سمت شرق گردد.

حوزه‌های همکاری روسیه و ناتو

باتوجه به وجود چالش‌ها و موانع مهم در روابط ناتو - روسیه، طرفین ضرورت همکاری در حوزه‌های امنیتی را احساس کرده و بدین منظور طی چند سال گذشته، خود را متعهد به همکاری‌های نزدیکتر در این خصوص نموده‌اند. در این ارتباط اگرچه ولادیمیر پوتین تصریح کرده است که کشورش قصد پیوستن به ناتو را ندارد، اما مسکو بهبود روابط با ناتو را در اولویت‌های سیاست خارجی خود قرار داده است. (Nato. int)

در این چارچوب، پس از حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر، نگرش روسیه در قبال

همکاری با ناتو مساعدتر شده است. شایان توجه است که صرف نظر از شکل‌گیری شورای ناتو روسیه (NRC) در آوریل سال ۲۰۰۴، ناتو و روسیه معاهداتی را امضاء کردند که به موجب آنها دفتر رابط نظامی روسی در فرماندهی عملیاتی ناتو در مونز بلژیک و متحد فرماندهی ناتو در نورفولک ویرجینا ایجاد گردید. (همان)

به بیان دیگر پس از ۱۱ سپتامبر سران ناتو و روسیه ضرورت همکاری‌های نزدیک‌تر میان دو طرف را درک کردند. تصمیم پوتین برای پیوستن به ائتلاف ضد تروریستی شکل گرفته میان قدرت‌های جهان، شکل‌گیری و توسعه همکاری علمی میان ناتو و روسیه را نیرومند ساخت. (Bsworth, ۲۰۰۲: ۳۶۱)

همچنین این موضوع به فراتر رفتن روابط اعلامی، به یک همکاری در چارچوب تأسیس شورای مشترک دائمی ناتو-روسیه، کمک شایان توجهی نمود. (Danilov, ۲۰۰۲: ۸۱)

از سوی دیگر در چارچوب NRC فضای علمی همکاری برای مبارزه علیه تروریسم نیز فراهم گردید. مدیریت بحران، عدم اشاعه سلاح‌های کشتار جمعی، کنترل تسلیحات، دفاع موشکی و اصلاحات دفاعی به روسیه و ناتو کمک کرد تا دیدگاه نوینی به فرایند همکاری داشته باشند. این چارچوب فرصت مناسبی برای ایجاد چشم‌اندازهای مشترک در خصوص تهدیدات جدید، به ویژه در حوزه مبارزه با تروریسم بود که منجر به صدور بیانیه‌های مشترک و شکل‌گیری برنامه اقدام ناتو و روسیه، در خصوص تروریسم گردید و طیف گسترده‌ای از طرح‌های جدید را در بر گرفت. (Alexeev, ۲۰۰۶: ۱۵)

در این راستا توجه ویژه‌ای به ابعاد همکاری‌های نظامی - نظامی مبذول شد. علیرغم وجود برخی دشواری‌ها و اختلاف‌نظرها که در خلال عملیات مشترک در بوسنی و کوزوو، میان نیروهای دوطرف پیش‌آمد، بر تردیدهای متقابل و بی‌اعتمادی‌های موجود با موفقیت غلبه شد. در جریان کار NRC، دو طرف گام‌های مهمی در امضای شماری از توافقنامه‌ها در خصوص موضوعاتی نظیر جست‌وجو و نجات در دریا، وضعیت‌های فوق‌العاده غیرنظامی، تبادل اطلاعات و... برداشتند.

مانورهای مشترکی چون کالینین گراد و آواریا (آزمایش واکنش به حوادث ناشی از سلاح های هسته ای که در سال ۲۰۰۴ در مورد ماسک انجام شد). از جانب کارشناسان و سیاستمداران بسیار مهم ارزیابی شده اند. از سوی دیگر، تصمیم روسیه برای مشارکت در عملیات «تلاش فعال»^۱ که در جریان اجلاسی در استانبول^۲ صورت گرفت، حاکی از تعهد روسیه به مبارزه مشترک علیه تروریسم است (دارمی، ۱۳۸۶: ۲۰۳)

همکاری های نظامی دوجانبه، نشان دهنده تمایل ارتش روسیه به گسترش همکاری با ناتو می باشد. در همین ارتباط به نظر می رسد نگرش مشابهی نیز در میان اعضای ناتو در این باره شکل گرفته است. به عبارت دیگر طی سال های اخیر ناتو و روسیه به سه هدف مهم دست یافته اند:

اول) آنکه، دوطرف مکانیسم های سازمانی برای همکاری را به وجود آورده اند. در حال حاضر دو هیأت نمایندگی ناتو در روسیه مشغول به فعالیت هستند و روسیه نیز هیأت هایی را در مقر ناتو مستقر ساخته است.

دوم) آنکه طرفین به یک آشتی عقلانی دست یافته اند که براین اساس یکدیگر را دشمن تلقی نمی کنند.

سوم) آنکه، ناتو و روسیه در حوزه های علمی، همکاری با یکدیگر را آغاز نموده اند. در حال حاضر ناتو و روسیه برای دستیابی به هماهنگی و سازگاری نظامی مشغول فعالیت هستند. این همکاری برای مأموریت های مشترک حفظ صلح و اقدام، در دیگر حوزه ها حائز اهمیت می باشد. (Alexeev, ۲۰۰۶: ۱۵-۱۷)

براین مبنا روس ها اهداف مهمی را در روابط نزدیک با ناتو دنبال می کنند:

۱- حضور نهادهای تعیین کننده و تصمیم ساز جهانی و جلوگیری از انزوای روسیه در مسائل مهم بین المللی و امور مربوط به امنیت جهانی

1- ActiveEndeavour
2- Istanbul

۲- جلوگیری از جهت‌گیری‌های احتمالی ناتو علیه روسیه

۳- فرصت‌سازی برای حل مسائل جدایی‌طلبی در روسیه بویژه در شمال قفقاز از طریق پیوند زدن مسائل آن با موضوع کلی مبارزه با تروریسم جهانی.

در مورد اهداف ناتو در نزدیکی به روسیه باید گفت که در هر یک از دو پایه اصلی این سازمان یعنی اروپای غربی و آمریکا دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. علاقه مندی اروپا به افزایش همکاری با روسیه در جهت مشروط و محدود ساختن آن کشور در برخی از چارچوب‌های موجود می‌باشد و این امر از سه موضوع نشأت می‌گیرد:

اولاً روسیه در همسایگی اروپا قرار دارد و امنیت اروپا به امنیت آن کشور مرتبط است.

ثانیاً اروپا در آن چه که مسئله تروریسم خوانده می‌شود و ریشه‌های آن در بحران خاورمیانه قرار دارد به لحاظ اقتصادی، سیاسی و نظامی آسیب‌پذیرتر از آمریکا می‌باشد. و از این رو به نقش مثبتی که احتمالاً روسیه می‌تواند ایفا نماید اهمیت می‌دهد.

ثالثاً بخش قابل توجهی از مواد مخدر از طریق روسیه به اروپا ارسال می‌شود و همکاری این کشور با اروپا در این زمینه ضروری می‌باشد. (ثقفی عامری، ۱۳۸۶: ۲۳ - ۲۲)

عده‌ای از تحلیل‌گران مسائل سیاسی نظرشان در مورد ورود روسیه به این پیمان امنیتی فرا‌آتلانتیکی بر این پایه استوار است که، خارج‌نگه داشتن این کشور از ناتو خطر توسعه طلبی روسیه را افزایش خواهد داد. حال آنکه با ورود روسیه به این پیمان، خطر یاد شده، اهمیت خود را از دست می‌دهد. (Baker, 2002: 100)

به هر ترتیب، به باور تحلیل‌گرانی که ادغام روسیه در ناتو را پیش‌بینی می‌کنند، اهداف مشترک میان این دو بازیگر بین‌المللی مانع از آن خواهد شد تا ناتو و روسیه در مقابل یکدیگر قرار گیرند.

تروریسم بین‌المللی، گسترش تسلیحات کشتار جمعی، مبارزه با مواد مخدر، افزایش تدریجی قدرت چین و چالش‌های جمعیتی و زیست‌محیطی، نمونه‌هایی از تهدیدات

امنیتی مشترک میان روسیه و ناتو به شمار می‌آیند. با این حال همان‌طور که کیسینجر نیز بعد از تصویب سند تشکیل شورای روسیه - ناتو اعلام کرد: «روسیه دلیل اصلی ابقای ناتو و گسترش آن به شرق محسوب می‌گردد». (www.fas.org)

روابط فرا‌آتلانتیکی (روسیه - آمریکا)

در بررسی روند پیوستن روسیه به سیستم امنیت فرا‌آتلانتیکی، روابط دو جانبه واشنگتن - مسکو حائز اهمیت قابل توجهی است، زیرا این موضوع شرایط روسیه را برای الحاق به سیستم امنیتی ناتو مشخص می‌کند. روسیه که در حقیقت جانشین اتحاد جماهیر شوروی شد، مجموعه‌ای از تعهدات و الگوهای رفتاری را در رابطه با ایالات متحده به صورت خودکار از شوروی سابق به ارث برد. با این حال امروزه روسیه جایگاهی محوری در سیاست خارجی ایالات متحده، به خود اختصاص داده است. با توجه به برخی اظهارات صورت گرفته در نشست‌ها و اجلاس‌های متعدد که در آن‌ها از سطح بالایی همکاری‌ها میان مسکو - واشنگتن سخن به میان می‌آید و نیز علیرغم وجود دیدگاه‌های خوش‌بینانه، به نظر می‌رسد شمار زیادی از مشکلات طی سال‌های گذشته، بر سر راه همکاری دو کشور قرار داشته است. بدین ترتیب هنگامی که بحث همکاری دو جانبه بر سر مسائل نظامی و اطلاعاتی مطرح می‌شود، تردید و بی‌اعتمادی ناشی از سال‌های جنگ سرد، مجدداً بر روابط دو کشور سایه می‌افکند که غلبه بر آن‌ها بسیار دشوار می‌نماید. که این مشکلات عبارتند از:

نخست آنکه، آمریکا نسبت به چشم‌اندازهای دموکراسی در روسیه با دیده تردید می‌نگرد، بگونه‌ای که این چشم‌انداز بیشتر حالت انتقادی دارد. در این چارچوب، احتمالاً در آینده نزدیک میزان انتقاد از رفتار مسکو بیشتر خواهد شد.

دوم آنکه، استراتژی آمریکا و روسیه در برخورد با مسائل شکل گرفته در فضای پس از اتحاد شوروی، دارای اختلاف‌های اساسی است. در این راستا روسیه به این

حوزه (CIS) بعنوان یک حوزه امنیت ملی می‌نگرد. در حالیکه فعالیت آمریکا در این منطقه باعث برانگیخته شدن برخی نارضایتی در کرملین و تحریک نیروهای ناسیونالیست درون روسیه می‌شود، از سویی دیگر آمریکا در استراتژی خود منطقه CIS را به عنوان یک عامل کلیدی در منافع ملی خود تعریف کرده است. در این ارتباط واشنگتن به برقراری و افزایش ثبات و دموکراسی در این منطقه از طریق افزایش نفوذ روسیه اعتماد چندانی ندارد.

سوم آنکه، ایالات متحده درباره یک اروپای جدید تغییر یافته دیدگاه‌های مخصوص به خود را دارد و احتمالاً چشم انداز خود را برای اقدام یک جانبه در این مناطق، با تعهد به ابزار حقوقی سازمان ملل یا دیگر مکانیسم‌های چند جانبه محدود نخواهد کرد. هم چنین ایالات متحده روسیه را به عنوان یک بازیگر جهانی در عرصه بین‌المللی تلقی نمی‌کند، چرا که دولت روسیه از ضعف‌های اقتصادی، سیاسی و نظامی رنج می‌برد. افزون بر این، درک کرملین از منافع ملی خود، براساس شرایط سیاسی معاصر تغییر می‌کند و نه بر مبنای اولویت‌های بلند مدت که در نتیجه این موضوع، بر روابط استراتژیک دو کشور تاثیر منفی می‌گذارد. (دارامی، ۱۳۸۶: ۲۰۵)

نتیجه‌گیری

روابط روسیه و ناتو فاقد نهادینگی و پایداری لازم می‌باشد. علت اصلی این مسئله نیز آن است که هیچ یک از طرفین حاضر به پذیرش شرایط و ملاحظات دیگری نمی‌باشد. در این میان به نظر می‌رسد که جهت‌گیری روسیه نسبت به این پیمان امنیتی بین‌المللی که از نیمه دهه ۱۹۹۰ روند گسترش به شرق را آغاز کرده است، نوسانی و غیر شفاف باشد. گواه این مسئله وجود سناریوهای مختلف در مورد سیاست روسیه در برابر این سازمان می‌باشد.

با این همه، نظر به اینکه هویت ژئوپلیتیک روسیه به سیاست خارجی این کشور

ماهیتی واکنشی و تدافعی بخشیده، چنین به نظر می‌رسد که پس از فروپاشی نظام دو قطبی و افول منزلت بین‌المللی روسیه از «ابرقدرتی» به «قدرت بزرگ»، این کشور با پیگیری سیاستی عمل‌گرایانه اصل‌گسترش ناتو به سوی شرق را به صورت مشروط پذیرفته باشد. به بیان دیگر، از آنجا که منطقه پیرامونی روسیه (که منظور از آن همان کشورهای غربی و جنوب غربی شوروی سابق می‌باشد) رکن اساسی سیاست هژمونی منطقه‌ای این کشور را تشکیل می‌دهد، لذا مسکو تنها در برابر گسترش نفوذ و نقش ناتو در این منطقه، به مقاومت آشکار دست خواهد زد. بر پایه این استدلال، هر گونه همکاری عمیق و استراتژیک میان روسیه و ناتو منوط به آن خواهد بود که ایالت متحده آمریکا و سایر دول اروپای غربی نقش و نفوذ روسیه در منطقه «خارج نزدیک» را به رسمیت بشناسند.

از طرفی دیگر ناتو و در رأس آن آمریکا نیز بدنبال اجرای سیاستهای بین‌المللی خود می‌باشند. این سازمان در روند گسترش به شرق خود به نزدیکی مرزهای روسیه رسیده است. بطوریکه کشورهای اوکراین و گرجستان (که در حیطه کشورهای خارج نزدیک روسیه محسوب می‌شوند) درخواست عضویت در ناتو را داده‌اند، که در حال بررسی است. روسیه نیز در مقابل، اعلام مخالفت آشکار نموده است و نسبت به عواقب آن برای ناتو و آمریکا هشدار صریح داده است.

علی‌رغم اختلاف نظرهای زیادی که روسیه و ناتو با همدیگر دارند، در برخی زمینه‌ها نیز در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی همکاری‌هایی داشته‌اند؛ که از آن جمله می‌توان به همکاری در زمینه‌های مبارزه با تروریسم بین‌المللی - مبارزه با مواد مخدر - منع تولید و گسترش سلاحهای کشتار جمعی و همچنین همکاری در زمینه‌های علمی و اقتصادی. اما هیچکدام از این موارد موجب از بین رفتن بی‌اعتمادی آنها نسبت به همدیگر نشده است.

در نهایت ارزیابی پژوهشگر این است که هم ناتو و هم روسیه بدنبال تسلط بر

منطقه اوراسیا می‌باشند؛ ولی آنچه که مشهود است، روسیه در حال حاضر سازوکارهای لازم برای این امر مهم را ندارد و در حال شکل دادن یک ائتلاف بزرگ بنام شانگهای است که بتواند از طریق آن مانع گسترش و تسلط ناتو بر این منطقه شود. از طرف دیگر ناتو که سازوکارهای لازم (نظامی - اقتصادی - فرهنگی - علمی و...) برای تسلط بر این منطقه را دارد یک مانع بزرگ بنام روسیه را در مقابل خود دارد که دارای سلاح هسته‌ای است و بارها ناتو و آمریکا را به استفاده از آن نموده است. به عقیده پژوهشگر دو راهکار پیش روی دو طرف (روسیه و ناتو) وجود دارد: اول آنکه شرایط و ملاحظات همدیگر را درک کنند و لحاظ کنند. دوم اینکه دست به جنگ گسرده بزنند. و قطعاً راه حل نخست عاقلانه‌تر به نظر می‌رسد.

Archive of SID

منابع

- ۱- پیکرنیک، توماس (۱۳۷۹). " هند، چین و روسیه از نگاه آمریکا "، ترجمه ی مجید علوی کیا، فصلنامه سیاست خارجی، سال چهاردهم.
- ۲- ثقفی عامری، ناصر. (۱۳۷۹). سیاست امنیتی روسیه، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۳۱.
- ۳- ثقفی عامری، ناصر. (۱۳۸۳). گسترش ناتو به شرق در حرکت دوم، معاونت پژوهشی سیاست خارجی - مرکز تحقیقات استراتژیک، گاهنامه شماره ۱۰۲.
- ۴- ثقفی عامری، ناصر. (۱۳۸۶). ناتوی جدید در معادلات بین الملل، پژوهشکده مطالعات استراتژیک - گروه پژوهشهای سیاست خارجی، پژوهش ۹.
- ۵- جوکار، علی اکبر. (۱۳۷۸). استفاده از توانایی نظامی در جهت اقتدار سیاسی در روسیه، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال هشتم، دوره سوم، شماره ۲۶.
- ۶- دارمی، سلیمه. (۱۳۸۶). ناتو در قرن ۲۱، تهران: ابرار معاصر.
- ۷- ریکن، ایوان. (۱۳۷۶). پیرامون نظریه امنیت ملی روسیه، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال ششم، دوره سوم، شماره ۱۹.
- ۸- ریشنز، ولفگانگ. (۱۳۷۸). ناتو را باید به صلابه کشید، مجله ترجمان سیاسی، سال چهارم شماره ۴۹.
- ۹- طاوولی، فخر. (۱۳۷۸). روسیه، تروریسم و اسلام، مجله ترجمان سیاسی، سال چهارم، شماره ۴۴.
- ۱۰- طولانی، قاسم. (۱۳۷۹). یک جزیره روسی در اتحادیه اروپا، مجله ترجمان سیاسی، سال پنجم شماره ۲.
- ۱۱- علیخانی، یوسف. (۱۳۷۹). اروپا بدون روسیه معنا ندارد، روزنامه انتخاب، شماره ۳۱۳.
- ۱۲- فریچه، کلاوس. (۱۳۷۵). خطر اتحاد چین و روسیه علیه غرب، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال پنجم، دوره دوم، شماره ۱۵.

- ۱۳- فلاحی، علی. (۱۳۷۸). روسیه، مسئله کالینینگراد و گسترش ناتو، مجله سیاست خارجی، سال سیزدهم.
- ۱۴- کولایی، الهه. (۱۳۷۴). روسیه، غرب و ایران، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال چهارم، دوره دوم، شماره ۱۲.
- ۱۵- کولایی، الهه. (۱۳۷۷). قوانین اساسی فدراسیون روسیه، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- ۱۶- کولایی، الهه. (۱۳۸۴). ناتو، دگرگونی در مأموریتها و کارکردها، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۷- کولایی، الهه. (۱۳۸۶). سازمان پیمان آتلانتیک شمالی، دگرگونی در مأموریت و کارکردها، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۸- کیانی، داود. (۱۳۸۶). جهت‌گیری سیاست خارجی روسیه در برابر ناتو، پژوهشکده مطالعات استراتژیک - گروه پژوهش سیاست خارجی، پژوهش ۹.
- ۱۹- گروموف، فلیکس. (۱۳۷۶). آینده روسیه بدون دریا و نیروی دریایی تصورناپذیر است، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سالششم، دوره سوم، شماره ۱۷.
- ۲۰- ملکی، قاسم. (۱۳۷۶). روسیه مخالف با توسعه طلبی ناتو، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال ششم، دوره سوم، شماره ۱۷.
- ۲۱- ملکی، قاسم. (۱۳۸۲). روسیه و مخالفت با توسعه طلبی ناتو، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۱۷.
- ۲۲- فصلنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، تابستان ۸۱ شماره ۱۶۹.
- ۲۳- فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، پائیز ۱۳۸۷، شماره ۶۳.
- ۲۴- فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، زمستان ۱۳۸۷، شماره ۶۴.
- ۲۵- فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، تابستان ۱۳۸۹، شماره ۷۰.
- ۲۶- اعتماد ملی ۸۸/۲/۲۲ - جهانگیر کرمی، ص ۷.
- ۲۷- شرق ۸۹/۷/۲۴ - گزارش ص ۶.

atlantic security", **the George Marshall European Center for Security Studies**. no. 1.

29 – Baker , james. (2002). "Russian in nato", **The Whashington Quarterly**.

30 – Bsowarth, kara. (2002). "The effects of 11 september on Russia – Nato Relations". **perspectives on european politics & society**, vol. 39 Issue 3.

31- Jackson, Nicole. (2003). **Russian Foreign Policy And The CIS** , New york: Routledye.

32 – Mateeu, Alexwy. (2003). "**Russia may lose its leverage in the CIS**" available from [http: // www.rambler ru/db/news/msg.htmlmid = 5655861](http://www.rambler.ru/db/news/msg.htmlmid=5655861)

33 – Valasek, Tomas. (2002). "**The U.S National Security Strategy**" , Aview from Europe , center for defense Information.

Archive of SID